

① قیمومت

② اور راجع بہ اس

③ غایب مفقود الار

④ اور راجع بہ تکرر منوی

مرجع قضای صالح در قیمومت - صلابت دارگاہ خانوادہ

مادہ ۴۸ - بد اول - امانگاہ محصور

محبور
ملہ درم - اگر محبور در ایران امانگاہ نہ است - محل سلوت
در ایران

ملہ سوم - اگر ہم امانگاہ خارج ایران
ہم محل سلوت خارج ایران - دارگاہ خانوادہ
نہرستان ہران

مادہ ۵۴ - عزل قیم - تعیین قیم جدید - تعیین قیم ہوت - سایر امور محصور

کہ راجع بہ دارگاہ است - ہا دارگاہی است کہ بدو تعیین قیم سرد است -

تاریخ و مدت رد ۸۶

اگر پس از تعیین قیمت، اماکنگاه قانزنی محصور تغییر کرد

دادگاه در دادرسی محل املت جدید محصوره رای رسیدگی داند ام صالح است.

این

۱۰۳

۱) ادای سهم الارثی در ممکن است از ترکه صریفی، به چنین تعلق گیرد

این چنین

در صورتی که چنین ولی یا وصی نداشته باشند.

۲) برای طایفه اموالی که برای مصارف عمومی اختصاص داده شده و صدیقی نداشته باشند.

۳) کسی که در اثر کبر سن یا بیماری از اداره تمام یا بعضی اموال عاجز

محجور نیست
می تواند از دادگاه تقاضای این برای اداره اموال نماید.
لکه خود عاجز، می تواند هر تفرقی بکند. — این عاجز

اسی جنین سے دارگاہ محل امانت مادر جنین

سے امین عاجز سے دارگاہ محل امانت عاجز

سے ساری سوار کی کہ اسیاج بہ امین سے داد گاہی کہ دران حوزہ
اسیاج بہ امین حاصل شدہ

ہر کو نہ تعین اسن سے در ملاط دارگاہ خانوادہ
سے ساری سوار مربوط بہ امین سے حمل دارگاہی کہ امین تعین شد

* امیر غیب صفی الدار

سے در ملاط دارگاہ خانوادہ

بدادل سے آخین امانت گاہ غایب
پہلے دم سے آخین امانت گاہ خارج ایران سے آخین محل سکونت غایب دران
پہلے دم سے ہم امانت گاہ ہم محل سکونت خارج ایران سے محل امانت یا سکونت در
پہلے چارم سے داد گاہی کہ غایب دران جا مال دارد
سے (ادارت بہ مال غیر منتقل)

اسد راجع بہ ترکی سنی

تازمانی برتسم نشده

انداساتی کہ برای حفظ ترکیہ در ساندن آن

بہ صاحبان موقوف - ۱ - محرم دوم ترکیہ

۲ - ترکیہ ترکیہ

۳ - اداره ترکیہ

اسی بلکہ دارگاہ آخین انا گاہ سونی
۴ - حتی اگر راجع بہ مال غیر مستول بود

۵ - بلکہ دوم - آخین انا گاہ سونی ایران نبوده یا معلوم نیست

۶ - آخین علی سلالت سونی

۷ - بلکہ سوم - دارگاہی بہ ترکیہ در آن واقع است

۸ - اگر ترکیہ جہانی مختلف بود - علی دمع ترکیہ غیر مستول

۹ - اگر چند مال غیر مستول داشت - دارگاہی کہ قبل شروع بہ رسیدگی شد

مادہ ۱۶۵ - اسد صبی

ہر گاہ تمام یا قسمتی از اموال سونی، در حذہ دارگاہی غیر از دارگاہ صالح باشد

دارگاہ علی دمع اموال - انداسات راجع بہ حفظ (از قبل محرم دوم) ... - ۱ -

روزنہت صدر مطلب را بہ دارگاہ صالح حاضرند -

اسو راجع بہ وصیت ہے دارگاہ صالح

ہمان دارگاہ صالح راجع بہ ترکہ متوفی

اگر وصیت نامہ حاصل شد ہے باید تمام ان صاحب دارگاہ صالح، ارسال شود

الان دفتر
نوسطہ آیت اہل

صدر کدانی حصر در است

↓
دارگاہ صالح
آخرین انگاہ
آخرین محل کسرت

کہ محل دفعہ ترکہ با اولاد محل غیر مسئول

اور محبوری نہ انا نگاہ اور نامعین است

در صلابت دار گامی نہ محبور در آن صدمہ، یات سُدہ

ریدی بہ حج ہے در صلابت دار گاہ خانوادہ

لے بعد از قطعی شدن حکم حج ہے اندام بہ بقین قسم می شود

از حج ہے از تاریخ قطعی حکم اصولاً

اگر تائب شود علت حج قبل از حکم ہے از تاریخ و بعد علت.

مادرہ ۷۱ ہے در سہاردی نہ علت حج بعد از رمد حارت سُدہ

دار گاہ باید ابتدا تاریخ حج را کہ بر او معلوم سُدہ

در حکم خود مقید نمایند.

ماده ۷۸ - حکم حجر یا رفع حجر حجر محرز نیست

اگر احلیت یا عدم احلیت یکی از سلبین در دادگاهی قبل از حکم حجر یا بعد از رفع حجر به ناسپس شود.

دادگاه به آن چه نزد خردش ناسپس شده عمل نکند
سداً دادگاه صدی

* ماده ۶۴ در مورد درخواست حجر

دادگاهی تراند قبل از صدور حکم

از بعضی یا تمام تصرفات
در اموال موقتاً ممنوع کنند

* بعد از صدور حکم و قبل از قطعیّت

در این صورت دادگاه موقتاً این برای حفظ اموال و تصرفات که ضرورت دارد
ممنوع می کنند.

ماده ۹۴ ابرجی

اگر با شرکت مدیریت در ابرال مولی علیه نقدی رنزیو کنند
اگر هم چند نفر ←

سه شرکت نفسانی

اگر یعنی بدن شرکت در ابرال

سه شرکت مدد سانی است

که نقدی رنزیو کرده اند

همین نقدی رنزیو کردند ← بدضمانی کا شود.

کدام مورد در خصوص ابراء، صحیح نیست؟

- ۱) ولی، قیّم و وصی، صلاحیت ابراء بدهکاران مولی علیه را ندارد. ✗
- ۲) وصیت به ابراء دین، ایقاع بوده و نیازی به قبول موصی له (مدیون) ندارد. ✗
- ۳) ابراء ذمه میت از دین در فرض وجود دارایی برای مدیون، به معنای ابراء شخصیت حقوقی ترکه است. ✗
- ۴) ابراء کننده می تواند در انشای ابراء، حق فسخ ابراء را در مدت معین برای خود یا شخص ثالث درج کند. ✓

ابراء اید است

هرگاه چند قیّم با شرکت یکدیگر، در حفظ اموال محجور تعدّی و تفریط نمایند، مسئولیت آنها نسبت به خساراتی که از تلف یا نقصان مال حاصل می شود، به چه نحو است؟

- ۱) مسئولیت آنها اشتراکی است، مشروط بر اینکه تلف یا نقصان مستند به تعدّی یا تفریط آنها باشد.
- ۲) مسئولیت آنها تضامنی است، مشروط بر اینکه تلف یا نقصان مستند به تعدّی یا تفریط آنها باشد.
- ۳) مسئولیت آنها اشتراکی است، هرچند نقصان یا تلف مستند به تعدّی یا تفریط آنها نباشد.
- ۴) مسئولیت آنها تضامنی است، هرچند تلف یا نقصان مستند به تعدّی یا تفریط آنها نباشد.

حسن به تعدی و تفریط گردند

بدی شود صحای به مسئولیت مطلق

طاه ۷۲

که اگر محجور دلی یاری داشته باشد.

دارسان و دادگاه حق دفعات در امور ادرانه دارند.

فقط دادرسی تواند وصای وی را تصدیق کند.

غایب مفقود الارش

۱۰۱۱

کسی که ازینت ارادت باللہ مدیدی ندست

و از اربع و پنج و ص فبری نیست.

تقرین این برای اداره احوال غایب مفقود الارش

دارستان

(که در فداست) اشخاص ذی شغل (در اوقات طلبکاران)

اگر غایب، برای اداره احوال، کسی را تقرین کرده
یا
کسی باشد که مانعاً حق تصدی امور او را داشته باشد
این تقرین نمی شود
ضمنی یا اداره می کنند

۱۳۲۰ هجری قمری، در زمان غایت، عملاً مصدق اداره امور غایب بوده

در موقع تقرین این به بردباران مقدم.

مادہ ۱۰۱۴ قانون مدنی

کلمۃ: زین تفسیر از اسیر الزامی نہایت
(دادگاہ ہی نہ اند)

اگر کسی از درات تفسیلات گاہی بدید

دادگاہ نمی تواند اسیر دیرین کند.

اگر دادگاہ چند اسیر تعیین کرد بہ تلفت بالاصحاح یا بالاستعداد
اصل بہ بالاصحاح

مدر علم ہوت فرضی

زائل شدن است اسیر - ہے! معلوم شدن مدت حقیقی

زنده بیدار شدن غایب

۲ مرحله حجم در غایب مستود الارش

۱۲۵ تا زن سنی
۱۲۶ تا ۱۴۰ ارجیه

① دادن اموال به طهر موت به تصرف درش

② صدر حکم موت فرضی ۱۵۲ تا ۱۵۹ ارجیه

شرط
دادن اموال به طهر موت به تصرف درش به دراتی که می توانند تقاضا کنند
قبل از صدر حکم موت فرضی

① غایب بی رایی اداره اموال تعیین نکرد باشند

+ که اگر فوت کرد یا غریب صالح شد به باز هم به تصرف درش داده نمی شود

+ ② ۲ سال تمام از آخرین خبر غایب نگذشته باشد بدون این به حیات و ممات او
علم باشند

+ ③ ۲ مرتبه الهی به فاصله یک ماه به یکسال از تاریخ نشر آخرین الهی بگذرد
در صورت برائت غایب

+ ④ درات باید تفویضات کافی بدهند
تا صدر حکم موت فرضی
اشخاص مات حتی در اموال داشته باشند

بید درسته ← امانی (مانوی-شری)

که مثل تلف یا نشی نیستند مگر تعدی یا تزیین

← به محض درسی به مال (غایب) باید جال را به ادرسی بچسبند
والّا بدی شود صمانی.

صدور حکم مدت فرضی (مواردی ماعملی لغت)

←
(در مواردی مادی شود که از تاریخ آخرین خبری که از ضایعات غایب ریده

مدتی نذرته باشند که عارداً ضمن شخصی زنده نمی ماند.)

تقاضای صدور حکم برت فرضی

ورثه، وصی یا موصی له

~~دادگشان~~، ~~طلبکاران~~

۱۵۹ ادربی { درخواست کننده از رد درخواست
دارسان از صدور حکم برت فرضی
ی توانستند بعد از نظر فرضی
کنند
قابل فرجام نیست.

۱۶۰ ادربی هم بعد از قطعی حکم برت فرضی

تأمینات از این دوره، رفع اثری شود.
(دفعات)

شرایط صدور حکم موت فرضی

اگهی ۳ مرتبہ ہے یا نامکمل ۳ ماہ ہے طلبہ ریاضی

کلیال بعد از آخرین الہی

درخواست دہندہ

ریاضی با حضور

دارسان

عدم حضور درخواست دہندہ
مانع ریاضی نیست

اگر برای بہ تصریح دادن موت احوال بہ درست ہے مہلا الہی کریم .
اگهی جدید نیاز نیست .

تبدیل کلام بی نام به بانام
 ۳ بار الهی می گویم
 ۴ باره وقت هر دم
 چون صاحبش در اینی شناسم

تبدیل کلام بانام به بی نام
 ۱ بار الهی
 ایدت هر دم
 چون صاحبش را شناسم

۱۰۶۷ ← بعد از صدر علم رضی عه ارحاب پیرا شور

کسانی که احوال را به عنوان درات تصرف کرده اند
 از اعیان

باید آن چه موجود است
 سرگرد دارند
 ← عوض اعیان

~~عوض ضایع~~

ضایع

تقسیم اموال غایب مفقودالاثر بر مبنای کدام مورد، صحیح است؟

- (۱) با درخواست اشخاص ذی نفع، در صورت اثبات نیاز مالی آنان با انقضای دو سال از زمان غیبت
(۲) پس از صدور حکم موت فرضی، فقط تقسیم اموال منقول امکان پذیر است.
(۳) با انقضای مدتی که عادتاً، احتمال فوت غایب وجود دارد.
(۴) با انقضای مدت یک سال پس از غیبت

صدر حکم موت فرضی



حکم موت فرضی غایب مفقودالاثر صادر شده و اموال او میان وراثت حین القوت تقسیم شده است. اگر پس از صدور حکم موت فرضی و تقسیم اموال، غایب پیدا شود، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) اگر عین اموال موجود باشد، به غایب باز می گردد، و الا حقی بر وراثت ندارد.
(۲) آنچه از عین اموال و منافع و عوض آن که موجود باشد، به غایب باز می گردد.
(۳) اگر عین اموال موجود باشد، به غایب باز می گردد، اما در مورد عوض اموال مصرف شدنی، غایب حقی ندارد.
(۴) وراثت در هر حال در مقابل شخص غایب، موظف به استرداد عین اموال و منافع آن و همچنین پرداخت مثل یا قیمت اموال تلف شده هستند.

آن چه موجود است
عوض عین
طایع

ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی

مرد ۴ سال تمام غایب مقتودالاش

به زوج او تقاضای طلاق می دهد.

درکبی از چاند محل یا شیرالانشار سهران

۳ بار آهسته به نام مکیده ماه

مکیده از تاریخ نشر اولین آهسته بگذرد.

حاکم ادر اطلاق می دهد به خانم عده وفات نگه می دارد.

رابطه زنا و وجود دارد.

اگر غایب مقتودالاش قبل از پایان عده برکت به مرد حق رجوع دارد

اگر بعد از پایان عده برکت به مرد حق رجوع ندارد

دست - تعلیمی
- عیدی

دست نامه سری - به خط موسی یا پدری - امضاء رسمی به فرد موسی
امانت می‌گذارد در اداره ثبت به محل امانت موسی
یا محل زیرمطابق اسن نامه

دست در قانون
اوردی - دست نامه رسمی - در دفترخانه اسناد رسمی تنظیم می‌شود.

دست نامه خودنوشت - تمام آن به خط موسی
دارای تاریخ روز ماه سال به خط موسی
امضاء موسی

فردی سواد، نمی‌داند دست نامه خودنوشت
یا سری داشته باشد.

ماده ۲۸۱ ادرسی

له

مخط خردش

در حقد رسول دتر

دست نامه پری خرد لال -

می نویسد دست نامه خردش است

گامند - این متن در حقد رسول نوشته شده.

ماده ۲۸۱

هر دست نامه غیر از ۳ مورد فوق { دست نامه عاری
در مراجع رسمی پذیرفته نیست

مگر اشخاص ذی نفوذ در برابر - به جهت دست امزار نشد.

زار دست رویه

اگر بعضی کنند قبول داریم - دست سبک به آن ما صبح رانند

اگر بعضی کنند قبول نداریم - دست سبک به آن ما

صبح نیست

اسد راجع بہ ترکہ

محررم
برداشتن محرم

تحریر ترکہ سے یقین مدار ترکہ دیون موقوفی

دیون موقوفی

تصفیہ دیون

وصیت
تقسیم ترکہ

۲۱۸ اسد ہی ہے درود تحریر ترکہ سے تصرف در ترکہ منع
مستقر فیاتی نہ برای اداره و حفظ ترکہ لازم است۔

۲۱۹ سے عملیات اجرائی راجع بہ بدعی موقوفی
ہے درود تحریر ترکہ سے معلق ماند

۲۲۱ سے دعاوی راجع بہ ترکہ موقوفی ہے درود تحریر ترکہ موقوف و شود
بنا بہ درخواست مدعی، ممکن است خواہے
تأین و شود۔

